



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۱۱

دوکتور صلاح الدین سعیدی

یکی از مباحث عدالت در افغانستان

مسأله عدالت یک مسئله و موضوع دارای ابعاد مختلف است که پرداختن به همه جوانب آن ایجاب بحث و وسیع را میکند اما من یک گوشه آن را درین نوشته سه سال قبل بیان و برانزده ساخته بودم که اینک با پیرایش کم بار دیگر آنرا باشما شریک میسازم.

احمد گفت محمود دزد، خاین، جاسوس و همینکه نشر شد، محمود لکه دار شد و فرصت متناسب ندارد که از خود دفاع کند. آنکه مطبوعات و میدیا در دست دارد و به این ترتیب به وجدان، ایمان و اصول، قانون و تعهدات مطبوعات و عدالت متعهد نباشد و یا از روی نادانی مرتکب تخلف و ضرر به دیگران میشود و در مورد هم خود را قناعت میدهد که چیزی بدی نه کرده. بدی و تخلف در جوامع بشری ممکن و به وقوع پیوستنی است ولی در شرایط قابل قبول، متخلف در ذهن و وجدان از ارتکاب تخلف رنج میبرد و میداند که تخلف کرده و مرتکب تخلف و تعدی شده. بدترین حالت حالت است که متخلف تخلف کند و از تخلف خود نه شرم کند و نه خجالت بخورد و کدام قاضی داخلی و ملکه وجدانی اش هم وی را محکوم به تخلف و احساس گناه نه کند. در یک حالت ملیاردها دالر و عاید از اختلاس در بندر حیرتان، پول حزبی و همه گروه، از کابل بانک و ... به هدر رفت و خود عامل و مجری بود ولی به رُخ خود نمی کند و هست مواردیکه تاحال با گردن فرازی به بی گناهی خود استدلال هم دارد. و حتی یکی از مجریان تخلف و اختلاس کابل بانک در دفاع ناروای خود کتاب قطور نوشته و گمان میکند که قربانی است. آن دیگر بدون هیچ سرمایه ای سهامدار کابل بانک میشود و منفعت میگیرد و گمان میکند که هیچ جرمی را مرتکب نه شده و آن دیگر به اثر بی کفایتی به کی قلم ۸۲۵ میلیون دالر (بودیجه یک سال کل کشور در همان) در قرضداری کابل بانک میپردازد و هنوز هم باور دارد که هیچ تخلف را مرتکب نه شده است.

ولی واپس به قضیه مشخص عدالت در ساحه میدیا و مطبوعات:

همینکه نام کس در رابطه به شرارت و بدی نشر شد و احمد محمود را بدون ذکر دلیل و منطق بدنام کرد دیگر نام بدنام شد و فرصت دفاع مطابق قانون ندارد. شخص متضرر شد و این انصاف نیست.

دیموکراسی و آزاد همین است که تأکید دارم که دیموکراسی و آزادی بیان بدون حاکمیت قوانین خوب و بدون تطبیق قوانین خوب مبتدل و مردود است و در موارد زیاد مورد استفاده قرار میگیرد و گرفته است. نفرت ایجاد شده در مورد هم تصادفی نیست.

عدالت را میدیایی کردن و در میدیا عدالت جستن و به آن در میدیا تأکید کردن به نحوی ایکه تمسخر بر عدالت و توسط شخص غیر مسلکی در عدالت ابتدال عدالت است.

در قضیه شهادت سیاوش خبرنگار نوشته که تمام مستندات عدالت باید برای شان داده شود و تناقضات را قبول ندارد که چرا یک گرفته شدو بعد دو وبعد این و بعد آن. عدالت را نباید سیاسی ساخت و استدلال ارایه شده درین مباحث سبب تأسف و تأثر بود و منجر به عدالت نمی شود. اینکه در بانک مرکزی چه میگذرد و مرحوم سیاوش بر چه جرایم بزرگ در کابل بانک رسیده گی کرده میتوانست و یا میتواند دست یابد و کی میخواست چنین شخص از میان برداشته شود لزره به جان انسان می آورد اما در میدیا این مطالبات ناحق تمام مستندات به غیر از مستنطق کردن و نه رفتن به روش عملی عدالت سبب تأسف و سیاسی سازی عدالت که ما را به عدالت نمی رساند. و اما

...همینکه مطلب نشر شد، لکه سیاه بر و مرجع وارد شد و دیگر فرصت دفاع در عمل به نسبت عدم قواعد بازی عدالت و میدیا مراعات نمی شود. به این ترتیب افراد فزیکتی و شخصیتهای حقوقی متضرر میشوند!

احمد گفت که محمود قهرمان است، نشر شد و گپ ختم. اما میدانیم که آن خاین یکی، خادم دیگر و آن قهرمان یکی رویای دیگر است!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

از یک طرف ما در بررسی گذشته مسؤلیتهای وجدانی، اخلاقی، سیاسی و جزایی را تفکیک نمی کنیم و همه را قاتی پاتی کرده، خلط و مزج ساخته، با آسان سازی به یک جوال انداخته، خود مرتکب بی انصافی و در حالات مرتکب جرم می شویم.

آنچه در زمان حاکمیت کدام حزب و سازمان به وقوع پیوسته از زنده به گور کردنها در پلگون، تا میخ زدن در سر و سینه بریدن ها و حلال کردنها، تولد دادن های اجباری، تجاوزهای جنسی، غصب زمینها و... تمام حزب حاکم مسؤلیت سیاسی دارد. اعضای رهبری تصمیم گیرنده مسؤلیت سیاسی و در موارد جزایی دارند. اما اعضای عادی، کف بزن مسؤلیت اخلاقی، ایمانی و وجدانی دارند. در حالات افراد مرتکب جرم هویت حزبی، قومی، سمتی و زبانی ندارد. جرم عمل شخصی و مسؤلیت اش نیز از لحاظ جزایی انفرادی است. اعضای ساکت وسیل بین و یا کسانی که که از موضع « به من چه؟ شوله ات را بخور پرده ات را بکن!» گفته اند و تأکید داشته اند مطمئناً که مسؤلیت اخلاقی، ایمانی و وجدانی دارند. مسؤلیت سیاسی به احزاب و شخصیت های برجسته نیز بر میگردد. راه حل:

در همه مواردی قبل از همه قاضی وجدان و ایمان را باید در همه حالات در نظر داشت و خود قاضی شد که بی عدالتی نه کند. برای مسلمان ایمان و عقیده و اصل عدالت و اینکه هر قدم و هر نفس خدمت در راه حق است، باید اصل شود.

بلی قضاوت ما بر اساس اقوال، مواضع، و کردار ظاهری دیگر هم استوار است. ما مردم جز این در چوکات امکانات چاره نداریم اما در همه حالات باید تمام جوانب عدالت را در نظر گرفت و دزد گفتن و بار بستن نباید پیشه ای ما شود.

ما باور داریم که در زنده ها قهرمان دایمی وجود ندارد! هر انسان در هر قدم ممکن است به شرارت برود و بیردازد که تصادفی نیست که گفته اند: مردم از مرگ میترسند ولی من از زندگی ترس دارم که قدم بد نه گذارم (سعید افغانی). بلی ما اظهارات از شنیدیم. ما شنیدیم که در جنگ افغانستان پاکستان زیاد متضرر شده و توان کردن و به قربانی های ملت افغان و اینکه برسر ملت افغان تجارت شده شنیدیم و می شنویم. ما تشخیص دادیم که این بی انصافی، سیاست پاکستانی و بی عدالتی و در مورد خاینانه است. ما صدای مرغ و زاغ شنیدیم. گفتیم که این صدای مرغ و زاغ است. این گناه از ماست که صدا را تشخیص دادیم و یا کسیکه که صدای مرغ و زاغ کشیده؟ مسلم که تشخیص ما گناه ما نیست. قبل از همه آنهای باید به صدای خود توجه کنند و بدانند که ملت دیگر گوسفندی نیست و سیاست پاکستانی را ملت نمی پذیرند. جواب واضح است.

بر ماست تا گفتار، کردار، نوشته و اظهارات خویش را با قبول اینکه الله تعالی، ایمان و وجدان خود را در نظر گرفته و با صداقت در مسایل برخورد کنیم.

بدانیم که دورغ گفتن حرام و بهتان (دروغیکه گوینده به دروغ بودن آن نیز خیر دارد.) گناه کبیره است و از آن باید اجتناب کرد.

مردم به عدالت بی باورند و این به علتیکه تطبیق نمی شود و عدالت سیاسی شده. حاکمیت های بی کفایت بودند و هستند و توانایی تطبیق قانون را ندارد. زور مندان تفنگ سالار حیثیت و اعتبار حاکمیت را، اگر چیزی مانده بود به خاک برابر کردند. اراده و توان سیاسی برای تطبیق قانون به صورت متناسب و قوی وجود نداشت و حاکمیت های لزران نمی توانند حاکمیت قانون را تطبیق کنند و این به تشدید جرم و تکرار آن منجر میشود.

به یقین گفته میتوانم اگر اراده لازم سیاسی وجود داشته باشد، تمام اتهامات وارده در افغانستان در یک محکمه عادلانه روشن شدنی و یا قضاوت سالم اند. واقعیت این است بخش عمده از حاکمیت و متحدین خارجی آن یا در فساد غرق و یا کفایت کاری ندارند و دیده میشود نمکدان گندیده است. افراد محدود سالم یا ناتوان بودند و یا خود به چرخ گندیده مبدل میشوند

افغانستان همین حالا هم مردمان و کادر صادق متعهد به اندازه کافی دارند که خواهان کار و قصد دادن این قربانی در کار به افغانستان را دارند، اما برای دادن این قربانی ضرورت کشیدن منت هرکس و ناکس رانمی بینند. این حالت کماکان فرصت استفاده جویان و خاینین را بلند برده و مراجع عدلی و قضایی کشور هم متناسب فعال نیستند!

الهی رحم
دوکتور صلاح الدین سعیدی
۲۰۲۱/۰۴/۱۱
۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸